



سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه

شایان ولی پور مطلق

shayan.valipourmotlagh@gmail.com

چکیده

فدراسیون روسیه وسیع ترین کشور جهان است و از نظر وسعت یک هشتم خشکی های قابل سکونت در دنیا را دربر می گیرد. این کشور همچنین پرجمعیت ترین کشور اروپا و نهمین کشور پرجمعیت جهان است. روسیه یک کشور فدرال با نظام نیمه ریاستی است. نخستین قانون اساسی در این کشور در سال ۱۹۹۳ تصویب شد و از آن زمان تاکنون برخی اصلاحات و تغییرات در قانون اساسی صورت گرفته است که گسترده ترین این اصلاحات در سال ۲۰۲۰ انجام شده است. مردم روسیه در سطح فدرال، رئیس جمهور را به عنوان رئیس کشور و اعضای مجلس دوما را انتخاب می کنند. رئیس - جمهور با رأی عمومی، برابر و مستقیم توسط رأی گیری مخفی در یک نظام انتخاباتی اکثریتی مطلق و به مدت شش سال انتخاب می شود و هر فرد می تواند دو دوره متوالی رئیس جمهور شود. قانون اساسی در فدراسیون روسیه، سیستم دو مجلسی را برای این کشور به رسمیت شناخته که در آن مجمع فدرال از دو مجلس دوما و شورای فدراسیون تشکیل شده است. قدرت در فدراسیون روسیه براساس اصل تفکیک مطلق قوا به قوای مقننه، مجریه و قضائیه تقسیم شده است. در قانون اساسی فدراسیون روسیه مقام رئیس قوه قضائیه پیش بینی نشده و قانون اساسی مقرر داشته که عدالت صرفاً از طریق دادگاه ها و برطبق آئین دادرسی مدنی، اداری و کیفری اعمال می شود.

کلید واژگان: احزاب، شورای فدراسیون، فدراسیون روسیه، قانون اساسی، مجلس دوما

مقدمه

روسیه شناسی در جهان از جمله مفاهیم پیچیده در حوزه علوم اجتماعی و سیاسی است. این پیچیدگی نه در ابهام در فهم آن بلکه در شکل گیری و سرنوشت آن و همچنین از درآمیختن آن با ظهور یکی از بزرگ ترین مکاتب سیاسی - اجتماعی یعنی مارکسیسم در شوروی و همچنین پدیدار شدن و افول یکی از بزرگترین امپراتوری های تاریخ ناشی می شود (سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۸۶). گستردگی سرزمین، تنوع قومی و مذهبی و تداوم تحولات سیاسی از جمله مواردی است که اهمیت شناخت این کشور و نیز لزوم مطالعه در این حوزه را نمایان می سازد (سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۴). پرسش اصلی در این پژوهش چگونگی ساختار حکومت در فدراسیون روسیه است. در راستای پاسخ به این پرسش لازم است که به سوالات فرعی زیر پاسخ داده شود:

۱- ساختار قدرت در فدراسیون روسیه چگونه است و قوای سه گانه چه نقشی در اداره کشور دارند؟

۲- نظام انتخاباتی در فدراسیون روسیه به چه شکل است؟

۳- مهمترین احزاب در روسیه کدامند؟

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش تاریخی - توصیفی است. در ابتدا به دلیل اهمیت شوروی و علل فروپاشی آن، بخشی از مطالعه در حوزه بیان تاریخ فروپاشی شوروی انجام شده است. در بخش دوم جغرافیای سیاسی فدراسیون روسیه مورد مطالعه قرار گرفته است. در فصول بعد به فرایند انتخابات در این کشور و ساختار سیاسی حاکم بر فدراسیون روسیه پرداخته شده است. در انتهای پژوهش، حزب های مهم در این کشور معرفی شده و نیز به ویژگی های حکومت های محلی و منطقه ای اشاره شده است.



تاریخ فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی امپراتوری روسیه حکومتی قدرتمند بود که از ۲۲ اکتبر ۱۷۲۱ به مدت ۱۹۶ سال بر بخش های عظیمی از اروپا، آسیا و آمریکا حکومت کرد. پایتخت این امپراتوری شهر سن پترزبورگ و زبان رسمی آنها روسی بود. این امپراتوری پس از امپراتوری بریتانیا و امپراتوری مغول سومین امپراتوری از لحاظ وسعت محسوب می شد. پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ به رهبری ولادیمیر لنین^۱ و با پیروزی بلشویک ها، دوران جدیدی آغاز شد. در ماه مارس ۱۹۱۸ حزب بلشویک به حزب کمونیست تغییر نام داد و در جریان برگزاری پنجمین کنگره سراسری شوراهای در جولای ۱۹۱۸، جمهوری سوسیالیستی فدراتیو روسیه شوروی ایجاد شد و نخستین قانون اساسی کشور تصویب شد (سنایی، ۱۳۹۵، ص. ۳۶). در دوران کوتاه حکومت لنین، شرایط داخلی و خارجی دشواری برای شوروی وجود داشت (سنایی، ۱۳۹۵، ص. ۳۷). در این زمان نیروهای ضد بلشویک که بزرگترین آنها ارتش سفید بود با کمک قدرت های غربی نظیر بریتانیا با ارتش سرخ متشکل از کارگران و کشاورزان که توسط بلشویک ها راه اندازی شده بود، وارد جنگ داخلی شدند. این جنگ ها از ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۱ طول کشید و در نهایت ارتش سرخ پیروز گشت. عوامل شکست مخالفان در این جنگ داخلی عبارت بود از (سنایی، ۱۳۹۵، ص. ۳۷):

- ۱- شکل گیری ارتش سرخ
- ۲- عدم حمایت دهقانان و روستائیان به دلیل فقدان حمایت روس های سفید از سیاست های اصلاحات ارضی
- ۳- کاهش حمایت متفقین از روس های سفید بعد از پایان جنگ جهانی اول
- ۴- امضای قرارداد صلح ورسای

با پایان یافتن درگیری های داخلی، ارتش سرخ حاکمیت بلشویک ها را در نواحی پیرامون روسیه برقرار کرد و در دسامبر ۱۹۲۲ رسماً تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مرکب از جمهوری های روسیه، بلاروس، اوکراین و جمهوری های قفقاز اعلام شد. در سال ۱۹۲۹ نیز جمهوری های ازبک، ترکمن و تاجیک وارد این مجموعه شدند (سنایی، ۱۳۹۵، ص. ۳۸). پس از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، دولت در زمینه اقتصادی به سیاست کمونیسم جنگی^۲ روی آورد. لنین در این دوره سعی داشت که در مدت کوتاهی جامعه سنتی روسیه را وارد نظام کمونیستی کند. حذف مالکیت خصوصی و بازارهای خرید و فروش کالا از یک سو و دولتی شدن بانک ها، تجارت داخلی، صنعت و کشاورزی از سوی دیگر باعث شد که جامعه به سمت بی ثباتی حرکت کند و نتیجه این سیاست از بین رفتن پنج میلیون نفر بر اثر قحطی و گرسنگی در دهه ۱۹۲۰ بود. در سال ۱۹۲۱، در جریان شورش پایگاه دریایی کرونشات و اعتراضات دیگر و نیز در پی روند روبه سقوط کشور، لنین سیاست جدید اقتصادی نپ^۳ را اعلام کرد. نپ بر این تفکر تکیه دارد که سرمایه گذاری خصوصی باید در کنار اقتصاد خانگی به صورت بخش تعاونی یا بخش دولتی وجود داشته باشد (سنایی، ۱۳۹۵، ص. ۳۹).

پس از درگذشت لنین، در سال ۱۹۲۴، ژوزف استالین^۴ روی کار آمد. اتحاد شوروی در پایان دهه ۱۹۲۰ و آغاز دهه ۱۹۳۰ شاهد تحقق یک انقلاب از بالا^۵ بود که سه بعد داشت: صنعتی کردن سریع، اشتراکی کردن اجباری سریع و انقلاب فرهنگی. صنعتی کردن سریع کشور با تمرکز بر صنایع سنگین و چشم پوشی از صنایع مصرفی و سبک تحقق یافت. در سال ۱۹۲۸ نخستین برنامه پنج ساله تدوین و اجرا شد (کولای، ۱۳۹۸، ص. ۴۳). صنعتی کردن سریع و اشتراکی کردن اجباری باعث شد افراد بسیاری بی خانمان شده و تعدادی نیز به قتل رسیدند. البته در کنار عملکرد نامناسب اشتراکی سازی در بخش کشاورزی، صنعتی کردن سریع، شوروی را به یکی از بزرگترین قدرت های صنعتی جهان در سال ۱۹۴۱ مبدل ساخت.

¹ Vladimir Lenin

^۲ کمونیسم جنگی به فاصله بین انقلاب اکتبر تا شروع نپ اطلاق می شود که در آن دولت در اثر تهدیدات داخلی و خارجی مجبور به اتخاذ تصمیمات آنی و بدون برنامه ریزی بود.

³ The New Economic Policy (NEP)

⁴ Joseph Stalin

⁵ The Revolution from Above



پس از مرگ استالین، نیکیتا خروشچف^۱ در مسند قدرت قرار گرفت. سیاست‌های خروشچف تحت عنوان استالین زدایی در کنگره بیستم حزب کمونیست در فوریه ۱۹۵۶ ابعاد گسترده‌ای یافت (کولایی، ۱۳۹۸، ص. ۴۶). با وجود تلاش‌های خروشچف برای گسترش مشارکت‌های سیاسی مردم در نظام سیاسی و جهت‌گیری‌های خوشبینانه وی در مورد نظام کمونیستی، سرانجام در سال ۱۹۶۴ با اتهامات شتاب‌زدگی در تصمیم‌گیری، طرفداری از خویشاوندان، اغتشاش‌های دستگاه اجرایی به‌وسیله نفاق-افکنی در حزب و برنامه‌های شتابزده در نظام کشاورزی توسط کمیته مرکزی حزب کمونیست، برکنار شد. پس از خروشچف، لئونید برژنف^۲، یوری اندروپوف^۳، کنسانتین چرنینکو^۴ و در نهایت میخائیل گورباچف^۵ به‌ترتیب، قدرت را به‌دست گرفتند. میخائیل گورباچف که آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی بود در سال ۱۹۸۵ بر مسند قدرت قرار گرفت. تأکید گورباچف بر ضرورت اصلاحات اقتصادی و اجتماعی بود. برنامه اصلاحات گورباچف سه حوزه اصلاحات اجتماعی، اصلاحات سیاسی و اصلاحات اقتصادی را دربر می‌گرفت. نخستین بار گورباچف در آوریل ۱۹۸۵ کلمه بازسازی^۶ را به‌کار برد و آن را به‌مفهوم بازسازی اساسی و تصحیح سازوکارهای اقتصادی در کشور به‌کار گرفت (کولایی، ۱۳۹۸، ص. ۵۳). اهداف بازسازی شامل محدود کردن تولید، فروش و مصرف نوشیدنی‌های الکلی و ایجاد بخش‌های غیردولتی بود. شفافیت^۷ نیز برای توسعه فضای باز سیاسی شکل گرفت و گورباچف آن را تضمینی برای موفقیت بازسازی می‌دانست (سنایی، ۱۳۹۵، ص. ۵۳). گورباچف در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۵ گام‌های اساسی برای دگرگون ساختن نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اتحاد جماهیر شوروی و در جهت اصلاح آن برداشت. برگزاری انتخابات چند کاندیدایی پس از حدود ۷۰ سال و از میان بردن انحصار حزب کمونیست در این زمینه قابل اشاره است. او برنامه اصلاحات اقتصادی را برای انتقال به نظام اقتصاد بازار آغاز کرد و دگرگونی اساسی در روابط شرق و غرب بوجود آورد ولی با وجود تلاش‌های او در چارچوب بازسازی، شفافیت، دموکراتیک‌سازی و تفکر نوین، اتحاد جماهیر شوروی به بحرانی دچار شد که در سال ۱۹۹۱ به فروپاشی انجامید (کولایی، ۱۳۹۸، ص. ۵۶). این فروپاشی باعث تاسیس ۱۵ کشور جدید شامل فدراسیون روسیه، بلاروس، اوکراین، مولداوی، استونی، لتونی، لیتوانی، گرجستان، آذربایجان، ارمنستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان شد.

جغرافیای سیاسی روسیه

کشور روسیه در شمال اوراسیا قرار گرفته است. این کشور با اقیانوس آرام، اقیانوس منجمد شمالی، دریای خزر، دریای سیاه و دریای بالتیک مرز آبی دارد. همچنین، همانگونه که در شکل ۱ نمایش داده شده است (Lencer, 2008)، این کشور با ۱۴ کشور آسیایی و اروپایی مرز زمینی دارد.^۸

¹ Nikita Khrushchev

² Leonid Brezhnev

³ Yuri Andropov

⁴ Konstantin Chernenko

⁵ Mikhail Gorbachev

⁶ Perestroika

⁷ Glasnost

^۸ این کشورها عبارتند از: کره شمالی، چین، مغولستان، قزاقستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان، اوکراین، بلاروس، لتونی، لیتوانی، استونی، فنلاند، لهستان، نروژ - ارتباط روسیه با ایران، ژاپن و سوئد از طریق آب است و با ایالات متحده آمریکا از طریق ایالت آلاسکا در ارتباط است.

دو منطقه جمهوری آبخازستان و اوستیای جنوبی که از مناطق جدا شده تحت مناقشه با گرجستان هستند نیز در برخی منابع جزو همسایه‌های مرزی فدراسیون روسیه حساب می‌آیند.



شکل ۱- مرزهای زمینی و دریایی روسیه (Lencer, 2008)

تقسیمات کشوری فدراسیون روسیه براساس ماده ۶۵ قانون اساسی به شرح زیر است:
الف) ۲۲ جمهوری؛ که در شکل ۲ نمایش داده شده است (Pmmollet, 2006):



شکل ۲- محدوده جمهوری های فدراسیون روسیه (Pmmollet, 2006)

- | | |
|------------------------------|---------------------------------|
| ۱- جمهوری آدیغه | ۱۲- جمهوری کومی |
| ۲- جمهوری التای | ۱۳- جمهوری مریال |
| ۳- جمهوری باشقیرستان | ۱۴- جمهوری موردوویا |
| ۴- جمهوری بوریاتیا | ۱۵- جمهوری اوستیای شمالی-آلانیا |
| ۵- جمهوری کالمیک | ۱۶- جمهوری ساخا |
| ۶- جمهوری کارلیا | ۱۷- جمهوری تاتارستان |
| ۷- جمهوری داغستان | ۱۸- جمهوری توفا |
| ۸- جمهوری اینگوش | ۱۹- جمهوری چچن |
| ۹- جمهوری کاباردینو-بالکاریا | ۲۰- جمهوری چوواش |
| ۱۰- جمهوری قره چای | ۲۱- جمهوری ادمورتیا |
| چرکسیا | ۲۲- جمهوری کریمه ^۲ |

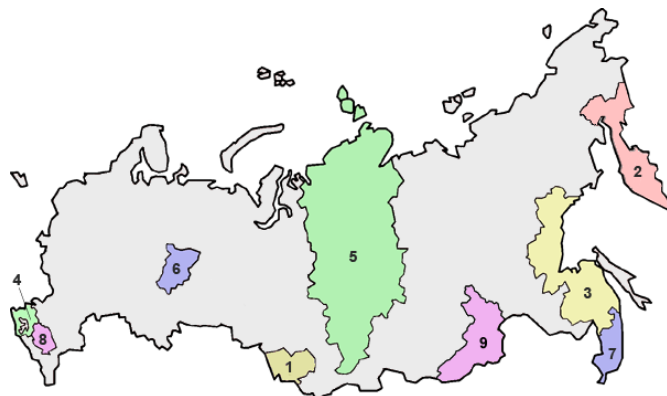
1 Republic

^۲ ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، در ۱۸ مارس ۲۰۱۴ پس از رأی مثبت مردم کریمه در همه پرسی ۱۶ مارس ۲۰۱۴ به پیوستن به فدراسیون روسیه، این شبه-جزیره را جزء جدایی ناپذیر فدراسیون روسیه خواند اما جامعه بین المللی این الحاق را اشغال نظامی کریمه توسط فدراسیون روسیه می دانند و آن را قبول ندارند. این جمهوری در ماده ۶۵ قانون اساسی جزو فدراسیون روسیه قرار داده شده است. شکل شماره یک فقط محدوده های مورد پذیرش جامعه جهانی را نمایش داده است.



۱۱- جمهوری خاکاسیا

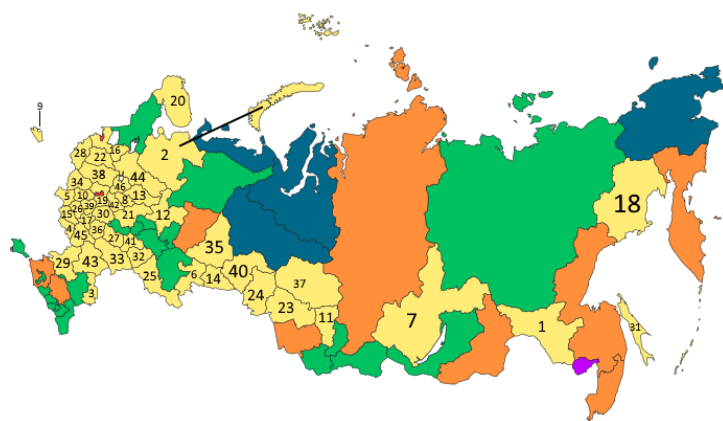
(ب) ۹ سرزمین؛ که در شکل ۳ آورده شده است (Hellerick, 2008):



- ۱- سرزمین آلتای
- ۲- سرزمین کامچاتکا
- ۳- سرزمین خاباروفسک
- ۴- سرزمین کرانسودار
- ۵- سرزمین کرانسویارسک
- ۶- سرزمین پرم
- ۷- سرزمین پریمورسکی
- ۸- سرزمین استاوروپل
- ۹- سرزمین زابایکالاسکی

شکل ۳- محدوده سرزمین ها در فدراسیون روسیه (Hellerick, 2008)

(پ) ۴۶ استان؛ که در شکل ۴ آورده شده است (glove, 2017):



- | | | |
|----------------------|---------------------|----------------------|
| ۱- استان آرمو | ۱۶- استان لنینگراد | ۳۲- استان سامارا |
| ۲- استان آرخانگلسک | ۱۷- استان لیپتسک | ۳۳- استان ساراتوف |
| ۳- استان آستراخان | ۱۸- استان ماداگان | ۳۴- استان اسمالنسک |
| ۴- استان بلگوار | ۱۹- استان مسکو | ۳۵- استان سوردلوفسک |
| ۵- استان بریانسک | ۲۰- استان مومانسک | ۳۶- استان نووگراد |
| ۶- استان چلیابینسک | ۲۱- استان نیژنی- | ۳۷- استان تامبوف |
| ۷- استان ایرکوتسک | ۲۲- استان نووگوراد | ۳۸- استان تومسک |
| ۸- استان ایوانوف | ۲۳- استان نووسیپرسک | ۳۹- استان تور |
| ۹- استان کالینینگراد | ۲۴- استان امسک | ۴۰- استان تیومن |
| ۱۰- استان | ۲۵- استان ارنبورگ | ۴۱- استان اولیانوفسک |
| | ۲۶- استان اریول | ۴۲- استان ولادیمیر |
| | ۲۷- استان پنزا | |
| | ۲۸- استان پسکوف | |
| | ۲۹- استان روستوف | |
| | ۳۰- استان ریازان | |

شکل ۴- محدوده استان های فدراسیون روسیه (glove, 2017)

¹ Kray

² Oblast



- | | | |
|-----------|-------------------|-----------|
| کالوگا | ۳۱- استان ساخالین | ۴۳- استان |
| ۱۱- استان | ولگوگراد | |
| کمروفو | ۴۴- استان ولگدا | |
| ۱۲- استان | ۴۵- استان ورونژ | |
| کیروف | ۴۶- استان | |
| ۱۳- استان | یاروسلاول | |
| کوستروما | | |
| ۱۴- استان | | |
| کورگان | | |
| ۱۵- استان | | |
| کورسک | | |

ت) سه شهر با اهمیت فدرال؛ که در شکل ۵ آورده شده است (Kingofthedead, 2016):



- ۱- مسکو
- ۲- سن پترزبورگ
- ۳- سواستوپول^۱

شکل ۵- شهرهای با اهمیت فدرال در فدراسیون روسیه (Kingofthedead, 2016)

ث) یک استان خودمختار یهودی،^۲ که در شکل ۶ نمایش داده شده است (Ezhiki, 2007):

^۱ شهر سواستوپول واقع در شبه جزیره کریمه است و همانطور که قبلا نیز بیان شد این شبه جزیره جزو محدوده های مورد مناقشه است و پذیرش آن جزو فدراسیون روسیه از جانب جامعه بین المللی صورت نگرفته است.

^۲ The Jewish autonomous oblast



شکل ۶- استان خودمختار یهودی (Ezhiki, 2007)

ج) چهار ناحیه خودمختار^۱ که در شکل ۷ نمایش داده شده است (Hardscarf, 2008):



شکل ۷- نواحی خودمختار روسیه (Hardscarf, 2008)

- ۱- ناحیه خودمختار چوکوتکا
- ۲- ناحیه خودمختار خانتی-مانسی
- ۳- ناحیه خودمختار ننتس
- ۴- ناحیه خودمختار یامالو ننتس

نظام سیاسی و قانون اساسی فدراسیون روسیه

روسیه تا پیش از فروپاشی شوروی تجربه ای از نهادهای معمول دموکراسی و اشکال رایج ساختارهای سیاسی نداشت (سنایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۳). به دنبال انحلال پارلمان روسیه در سال ۱۹۹۳، مجمع قانون اساسی تشکیل شد و پیش نویس قانون اساسی جدید در ۱۰ نوامبر منتشر شد. در نسخه جدید، قانون اساسی موادی برای دوره گذار تنظیم کرده بود که تصریح می کرد رئیس-جمهور باید تا آخر دوره خود یعنی ژوئن ۱۹۹۶ در قدرت باشد و به این ترتیب به بحثها درباره انتخابات زودهنگام ریاست-جمهوری خاتمه داد (سنایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۴).

قانون اساسی فدراسیون روسیه مشتمل بر دو بخش است که بخش اول شامل ۹ فصل و ۱۳۷ اصل و بخش دوم شامل مقررات پایانی و انتقالی است. عناوین این فصلها عبارتست از:^۲

- فصل اول: اصول نظام قانونی
- فصل دوم: حقوق و آزادیهای انسان و شهروند
- فصل سوم: ساختار فدرال
- فصل چهارم: رئیس جمهوری فدراسیون روسیه

¹ Autonomous okrug

^۲ برخی از مواد این قانون اساسی به فراخور موضوع در بخشهای مختلف پژوهش استفاده شده است.



- فصل پنجم: مجلس فدرال
- فصل ششم: دولت فدراسیون روسیه
- فصل هفتم: قوه قضائیه
- فصل هشتم: خودگردانی محلی
- فصل نهم: اصلاحات و بازنگری در قانون اساسی

براساس ماده ۱۰ قانون اساسی، قدرت دولتی در فدراسیون روسیه براساس تقسیم به قوای مقننه، مجریه و قضائیه اعمال شد. نهادهای قوای مقننه، مجریه و قضائیه مستقل بودند. نظام فعلی روسیه را می توان یک نظام نیمه ریاستی دید زیرا وجود نخست وزیر در کنار رئیس جمهور نوعی نظام سیاسی ترکیبی را ایجاد کرده است (سنایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۳).

فرایند انتخابات و رأی گیری در فدراسیون روسیه

مردم روسیه در سطح فدرال، رئیس جمهور را به عنوان رئیس کشور و اعضای مجلس قانونگذاری را انتخاب می کنند. از سال ۱۹۳۶ حق رأی همگانی در روسیه به رسمیت شناخته شد و در قانون اساسی سال ۱۹۹۳ بخش مجزایی به حق رأی اختصاص داده شد. طبق قانون اساسی روسیه، داشتن سن ۱۸ سال تمام و نیز داشتن تابعیت روسی از شرایط برخوردار بودن از حق رأی است. تنها زندانیان و افرادی که حق رأی آنها طبق نظر دادگاه سلب شده است، امکان شرکت در انتخابات و بهره مندی از حق رأی دهی را ندارند. لازم به ذکر است که افرادی که تحت بازجویی هستند شامل این محدودیت نمی شوند (قهساره، ۱۳۸۹، ص. ۱۸-۱۶). از سال ۱۹۱۸ تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فقط حزب کمونیست حق معرفی کاندیدا برای انتخابات را داشت. این انحصار در سال ۱۹۸۹ با تصمیم میخائیل گروباچف مبنی بر برگزاری انتخابات چند حزبی به عنوان بخشی از برنامه بازسازی از بین رفت و عملاً با تغییر قانون اساسی در سال ۱۹۹۰، سلطه انحصاری حزب کمونیست بر قدرت در روسیه برچیده شد. در سال ۱۹۹۳ نظام حکومتی روسیه براساس قانون اساسی به نظام شبه ریاستی تغییر پیدا کرد (قهساره، ۱۳۸۹، ص. ۱۵). انتخابات ریاست جمهوری در فدراسیون روسیه مبتنی بر قانون انتخابات ریاست جمهوری و قانون حمایت از حقوق انتخاباتی است (قهساره، ۱۳۸۹، ص. ۱۵). طبق ماده ۸۱ قانون اساسی فدراسیون روسیه، رئیس جمهور براساس رأی عمومی، برابر و مستقیم توسط رأی گیری مخفی به مدت شش سال انتخاب می شود و هر فرد می تواند دو دوره متوالی رئیس جمهور شود. لازم به ذکر است که تا قبل از سال ۲۰۰۸ مدت ریاست جمهوری چهار سال بود ولی در زمان ریاست جمهوری دمیتری مدودف این مدت به شش سال افزایش یافت اما از انتخابات ۲۰۱۲ اجرا شد. نظام انتخاباتی دو مرحله ای است و در صورتی که هیچ یک از کاندیداهای ریاست جمهوری نتوانند در مرحله اول حائز اکثریت مطلق آرا شوند، دو کاندیدایی که در مرحله اول بیشترین آرا را دریافت کرده اند، وارد مرحله دوم می شوند و در این مرحله فردی که بتواند میزان ۵۰ درصد یا بیشتر آرا را کسب کند، به عنوان رئیس جمهور معرفی می شود. همچنین در بند ۲ این ماده آمده است که هر شهروند روسیه که کمتر از ۳۵ سال سن نداشته باشد و حداقل ۲۵ سال در فدراسیون روسیه بطور دائم اقامت داشته باشد و نیز تابعیت خارجی، مجوز اقامت و یا مدرک دیگری که تأیید کننده حق اقامت دائم شهروند فدراسیون روسیه در کشور خارجی است، را هرگز نداشته باشد می تواند به عنوان رئیس جمهور انتخاب شود. شرط عدم داشتن تابعیت خارجی برای رئیس جمهور شامل آن دسته از شهروندان روسیه ای که قبلاً تابعیت کشوری را داشته اند که مطابق قانون فدرال قانون اساسی به عضویت روسیه درآمده است یا بخشی از آن به عضویت روسیه درآمده است، و یا شهروندانی که در قلمرو کشوری که به عضویت فدراسیون روسیه درآمده است یا در قلمرو بخشی از کشوری که به عضویت فدراسیون روسیه درآمده سکونت دائمی داشته اند، نمی شود. چهار کمیسیون انتخاباتی در فرایند انتخابات ریاست جمهوری فعالیت می کنند. این کمیسیون ها در زمان برگزاری انتخابات بایستی مستقل و بی طرف عمل کنند و عبارتند از (قهساره، ۱۳۸۹، ص. ۱۸):

¹ Perestroika

² Dmitry Medvedev



۱- کمیسیون مرکزی انتخابات

۲- کمیسیون انتخابات منطقه‌ای (۸۹ عدد)

۳- کمیسیون انتخابات ناحیه‌ای (۲۷۵۰ عدد)

۴- کمیسیون انتخابات بخش

اداره کمیسیون مرکزی انتخابات توسط یک کمیته ۱۵ نفره صورت می‌گیرد و ترکیب اعضا بدین صورت است که پنج نفر توسط رئیس‌جمهور، پنج نفر توسط مجلس عوام و ۵ نفر توسط مجلس سنا انتخاب می‌شوند. وظایف این کمیسیون عبارتست از (قهساره، ۱۳۸۹، ص. ۱۹):

- تفسیر آیین‌نامه‌های انتخاباتی
- نظارت بر هماهنگی عملکرد مقامات دولتی منطقه‌ای با قانون انتخابات فدرال
- پیشنهاد قوانین جدید انتخاباتی
- نظارت بر رعایت حقوق انتخاباتی شهروندان در انتخابات منطقه‌ای

کمیسیون‌های انتخابات ناحیه‌ای، دائمی هستند و مدت فعالیت اعضای آنها چهار سال است. کمیسیون‌های انتخابات بخش هم در پایین‌ترین سطح قرار دارند و حداکثر یک ماه قبل از روز رأی‌گیری تشکیل می‌شوند و صرفاً در حوزه انتخابات فعالیت دارند. اعضای این کمیسیون‌ها توسط مقامات اجرایی محلی انتخاب می‌شوند و معمولاً برای امور مالی، فنی و ... وابسته به مقامات اجرایی محلی هستند (قهساره، ۱۳۸۹، ص. ۱۸).

قوه مجریه

روسیه دارای یک نظام نیمه‌ریاستی است که در آن قدرت رئیس‌جمهور با نخست‌وزیر و کابینه تقسیم شده است، البته قانون اساسی در اعطای حق تقدم به ریاست‌جمهور صریح است. در واقع سیستم اجرایی در روسیه دو بخش دارد؛ در یک طرف رئیس‌جمهور و نیروهای وی در کاخ کرملین و در طرف دیگر نخست‌وزیر و کابینه قرار دارند. مرکز ثقل سیاسی به کرملین تعلق دارد. رئیس‌جمهور، سرویس امنیتی، شورای امنیت و دستگاه‌های اجرایی خود را دارد و در مقابل، قدرت کابینه محدودتر است. قدرت رئیس‌جمهور در رأس حکومت به همراه قدرت نمادین وی در مقام رئیس دولت موجب شده که این مقام قدرت بیشتری بیابد. در نظام ریاستی، رئیس‌جمهور بر تنظیم و اجرای سیاست‌های تنظیمی نظارت می‌کند؛ اما در نظام پارلمانی این امر به نخست‌وزیر برمی‌گردد و وی در برابر پارلمان مسئول است. در نظام روسیه که ترکیبی از دو نظام است، اگرچه مقام نخست‌وزیری وجود دارد، اما کابینه و دولت اصولاً به رئیس‌جمهور پاسخ می‌دهند و فقط در موارد کمی به پارلمان پاسخگو هستند. بنابراین عملکرد موفق یک سیستم با رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر به روابط کاری سازنده بین این دو نیاز دارد (سنایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۸).

در روسیه براساس قانون اساسی، حوزه اختیارات قوه مجریه در مسائل مختلف تفکیک شده و مسائل امنیتی، سیاست خارجی و مسائل کلان سیاست داخلی برعهده رئیس‌جمهور و نهادهای زیرنظر وی است. در مقابل، مسائل اقتصادی، اجتماعی تحت اداره نخست‌وزیر و نهادهای تابعه وی قرار دارد (سنایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۹). به عبارت دیگر اگر رئیس‌جمهور رهبر سیاسی کلی باشد، رئیس امور روزمره قوه مجریه، نخست‌وزیر است. نخست‌وزیر توسط چهار معاون نخست‌وزیر و کابینه‌ای متشکل از روسای وزارتخانه‌ها و کمیته‌های دولتی از جمله وزارتخانه‌های دارایی، دادگستری، دفاع، آموزش، حمل‌ونقل و ارتباطات، کمیته‌های سیاست صنعتی، اصلاحات ارضی، مدیریت اموال دولتی و ورشکستگی و سایر کمک می‌شود. این وزارتخانه‌ها فعالیت‌های روزانه قوه مجریه را مدیریت می‌کنند که شامل کنترل اموال و دارایی‌های فدرال، تنظیم گمرکات و مرزها، اداره نیروهای مسلح، جمع‌آوری مالیات و مواردی از این دست می‌شود. نخست‌وزیر، وزرای مختلف و روسای کمیته‌های دولتی توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند و منوط به تایید دوما هستند. وظایف وزرا شامل شکل‌دادن به سیاست، حصول اطمینان از اجرای قانون و سیاست، اداره اموال دولتی و اجرای سیاست مالی (پرداخت‌ها و مالیات‌ها) است (Hass, 2006, p. 31 11). براساس ماده



۸۳ قانون اساسی، رئیس جمهور علاوه بر انتصاب نخست وزیر، می تواند جلسات کابینه را اداره کند، اعضای دادگاه قانون اساسی، دیوان عالی و دادگاه عالی داوری را به شورای فدراسیون معرفی و قضات دیگر دادگاه های فدرال را منصوب و همچنین دادستان کل کشور را معرفی کند. وی همچنین، براساس ماده ۸۶ قانون اساسی، رئیس شورای امنیت است که رهنامه های دفاعی و سیاست خارجی روسیه را تایید می کند، فرمانده کل نیروهای مسلح را منصوب می کند و سیاست خارجی فدراسیون روسیه را هدایت می کند. طبق ماده ۹۰ قانون اساسی، رئیس جمهور حق اعلام وضعیت فوق العاده و تعلیق آزادی های عمومی تا زمان تصویب قوانین جدید فدرال را دارد و سالانه در یک نشست مشترک با مجمع فدرال در مورد سیاست های خارجی و داخلی کشور گزارش می دهد. وی حق صدور احکام الزام آوری را دارد که در تمام خاک فدراسیون روسیه لازم الاجرا هستند و اجباری به تصویب آن ها توسط پارلمان نیست. قدرت این احکام مشابه قوانین است اما آن ها نباید قانون اساسی را لغو کنند. براساس آنچه در ماده ۹۳ قانون اساسی فدراسیون روسیه آمده است، از نظر قضایی احضار رئیس جمهور به دادگاه بسیار دشوار است و به حکمی توسط دیوان عالی و دادگاه قانون اساسی براساس تقاضای یک کمیسیون دوما با حداقل ۱۵۰ امضا نیاز دارد که هم به - وسیله دوسوم دوما و هم دوسوم شورای فدراسیون تایید شده باشد. این روند فقط می تواند در مورد خیانت و یا ارتکاب برخی دیگر از جنایات های خطرناک صورت گیرد. در عین حال تصمیم شورای فدراسیون در خصوص برکناری رئیس جمهور فدراسیون روسیه از مقام خود باید حداکثر طی سه ماه پس از طرح اتهام به وسیله دومای کشور علیه رئیس جمهور اتخاذ گردد. اگر تصمیم شورای فدراسیون طی این مدت اتخاذ نشود، اتهام علیه رئیس جمهور مردود تلقی می شود (سنایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۹۰).

براساس ماده ۹۲ قانون اساسی فدراسیون روسیه، در تمام مواردی که رئیس جمهور قادر به انجام وظایف خود نباشد، انجام این وظایف برعهده نخست وزیر است اما جانشین رئیس جمهور حق انحلال دومای کشوری، تعیین همه پرسی و نیز ارائه پیشنهادهایی در خصوص اصلاحات و بازنگری در مفاد قانون اساسی را ندارد (سنایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۹۱).

دولت در روسیه شامل نخست وزیر، معاونین نخست وزیر و وزرای فدرال است. نخست وزیر در فدراسیون روسیه، دومین مقام در ساختار سیاسی کشور است. در مواقع هرگونه حادثه برای رئیس جمهور، وی کفیل ریاست جمهوری خواهد شد و فقط در انتصاب وزرا مورد مشورت قرار می گیرد. وزرا هم در برابر رئیس جمهور و هم در برابر مجلس مسئول هستند (سنایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۹۱). فدراسیون روسیه ۱۵ وزارتخانه دارد که عبارتند از: وزارت امور داخله، وزارت امور خارجه، وزارت دفاع، وزارت دادگستری، وزارت بهداشت و توسعه اجتماعی، وزارت فرهنگ، وزارت آموزش و علم، وزارت اکولوژی و منابع طبیعی، وزارت صنعت و تجارت، وزارت ارتباطات، وزارت کشاورزی، وزارت حمل و نقل، وزارت مالی، وزارت اورژانس و اوضاع اضطراری و وزارت توسعه اقتصادی.

وزارت امور داخله فدراسیون روسیه همان نقش وزارت کشور را در این کشور ایفا می کند (نژادخلیلی، ۱۳۹۰، ص. ۲۶). در حال حاضر وزارت امور داخله فدراسیون روسیه دو وظیفه اصلی را در این کشور ایفا می کند:

۱- مدیریت و راهبری نیروی پلیس

۲- نظارت بر امر مهاجرت

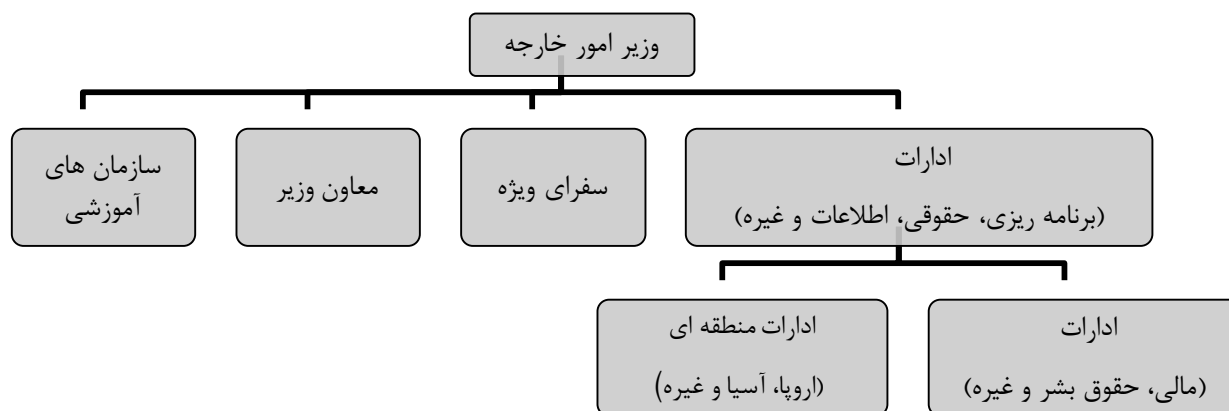
وزارت امور خارجه، نهاد اجرایی فدرال و مسئول سیاست خارجی روسیه است (شیرائف، ۱۳۹۲، ص. ۳۲۲). طبق ماده ۸۰ قانون اساسی فدراسیون روسیه، رئیس جمهور فدراسیون روسیه مطابق با قانون اساسی فدراسیون روسیه و قوانین فدرال، اهداف اساسی سیاست داخلی و خارجی دولت را تعیین می کند. همچنین براساس ماده ۸۶ قانون اساسی فدراسیون روسیه، سرپرستی و هدایت سیاست خارجی، رهبری مذاکرات و امضای معاهدات بین المللی، امضای توافق نامه ها، پذیرش استوارنامه ها و فراخوانی نمایندگان دیپلماتیک برعهده رئیس جمهور فدراسیون روسیه است.

حوزه های مسئولیتی وزارت امور خارجه عبارتست از (شیرائف، ۱۳۹۲، ص. ۳۲۲):

۱- توسعه استراتژی در حوزه روابط بین الملل

۲- توصیه سیاست ها به رئیس جمهور

۳- اجرای سیاست خارجی کشور



شکل ۸- ساختار سازمانی وزارت امور خارجه فدراسیون روسیه (شیرائف، ۱۳۹۲، ص. ۳۲۲)

وزرای خارجه روسیه مسئولیت های زیادی دارند، از امضای معاهدات، مذاکره با مقامات کشورهای خارجی و هماهنگ کردن فعالیت هیئت های خارجی گرفته تا مدیریت انتصاب مشاغل کلیدی در این وزارتخانه، ارائه گزارش به رئیس جمهور و تعامل با رسانه ها. وزرای امور خارجه معمولاً اعضای شورای امنیت روسیه هستند. وزیر هشت معاون دارد که مسئول مناطق یا حوزه های مشخصی از فعالیت هستند. وزارت امور خارجه دو دسته از ادارات را دارد که براساس وظایفشان تقسیم بندی شده اند. ۱۵ اداره منطقه ای فعالیت های مربوط به مناطق مشخصی از جهان یا گروهی از کشورها را هماهنگ می کنند. علاوه بر ادارات منطقه ای، ۲۲ اداره خاص هم هستند که سیاست های خاص در داخل این وزارتخانه یا خارج از آن را هماهنگ می کنند. چهار مؤسسه آموزشی وابسته به وزارت امور خارجه وجود دارند که در رشته دیپلماسی و روابط بین الملل مدارک دانشگاهی صادر می کنند و یک مؤسسه زبان هم برای دیپلمات ها، تحلیل گران، مترجمان و مفسران آینده تاسیس شده است. وزارت امور خارجه باید سیاست های خود را با کثیری از نهادها، وزارت خانه ها و آژانس های دیگر از جمله وزارت دفاع و سرویس امنیت فدرال هماهنگ کند (شیرائف، ۱۳۹۲، ص. ۳۲۳).

روند اصلاحات قانون اساسی

فدراسیون روسیه از زمان تصویب نخستین قانون اساسی در سال ۱۹۹۳ تاکنون با برخی اصلاحات و تغییرات در قانون اساسی خود مواجه بوده است. پس از تصویب این قانون با رأی مردم، اولین اصلاحات سه سال بعد در سال ۱۹۹۶ انجام شد. در این سال با حکم رئیس جمهور باریس یتسین، نام دو جمهوری تغییر یافت. اصلاحات بعدی در سال های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ نیز مربوط به درج نام های جدید واحدهای فدراسیون در ماده ۶۸ قانون اساسی بود. در سال های ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶، تغییراتی در رابطه با عنوان برخی واحدهای فدرال صورت گرفت. در سال ۲۰۰۸ دیمتری مدودیف اصلاحاتی را در ارتباط با افزایش دوره ریاست جمهوری از چهار سال به شش سال و دومای دولتی از چهار سال به پنج سال در قانون اساسی اعمال کرد (سنایی و کرامتی نیا، ۱۴۰۰، ص. ۲۳). در سال ۲۰۱۳ نیز ولادیمیر پوتین آپیش نویس قانونی را درباره ادغام دادگاه داور و دادگاه عالی فدراسیون روسیه و همچنین درباره دادستانی روسیه به دومای دولتی معرفی کرد. بر این اساس، دادگاه عالی فدراسیون روسیه به عنوان یک نهاد قضایی تخصصی منحل شد و اختیارات رئیس جمهور از نظر انتساب پست دادستانی افزایش یافت. تا پیش از اصلاحات

^۱ تعداد آن ها می تواند تغییر کند.

^۲ Vladimir Putin



در سال ۲۰۲۰ نیز، آخرین تغییر در قانون اساسی روسیه در ارتباط با الحاق کریمه به فدراسیون روسیه در سال ۲۰۱۴ و اضافه کردن بندی در این باره به ماده ۶۵ قانون اساسی صورت گرفت (سنایی و کرامتی نیا، ۱۴۰۰، ص. ۲۴).

اصلاحات قانون اساسی روسیه در سال ۲۰۲۰ بعد از تصویب قانون اساسی ۱۹۹۳ از نظر گستردگی ابعاد موضوعی مهمترین اصلاحات قانون اساسی روسیه است که همچنین از طریق همه پرسی مردمی به اجرا گذاشته شد. این اصلاحات از ۹ فصل قانون اساسی فدراسیون روسیه در ۲۰۶ مورد در فصل های سوم تا هشتم اعمال شده است. ولادیمیر پوتین رئیس جمهور فدراسیون روسیه در ۱۵ ژانویه ۲۰۲۰ از اعمال برخی اصلاحات در قانون اساسی با هدف توسعه بیشتر روسیه به عنوان یک دولت اجتماعی حقوقی خبر داد (سنایی و کرامتی نیا، ۱۴۰۰، ص. ۲۴). این اصلاحات را می توان در چهار بخش مجزا شامل اصلاحات مرتبط با امور حاکمیتی، اصلاحات اجتماعی، اصلاحات ایدئولوژیک و اصلاحات حکومتی مورد بررسی قرار داد (سنایی و کرامتی نیا، ۱۴۰۰، ص. ۳۷). از مهمترین اصلاحات می توان به موارد زیر اشاره نمود (سنایی و کرامتی نیا، ۱۴۰۰):

- ۱- اصلاحیه مواد ۷۹ و ۱۲۵ در چارچوب تحکیم حاکمیت ملی در مقابل حقوق بین الملل
- ۲- اصلاحیه ماده ۷۱ جهت ملی شدن نخبگان که مطابق آن، مقامات کشوری نمی توانند تابعیت یا اقامت خارجی یا سپرده بانکی و اشیای قیمتی در خارج از کشور داشته باشند
- ۳- اصلاحیه ماده ۷۵ جهت تامین حداقل معیشت برای همه مردم و بیمه اجتماعی اجباری
- ۴- اصلاحیه ماده ۷۲ در راستای نفی رسمیت همجنس گرایی و معرفی ازدواج به عنوان هم پیمانی زن و مرد
- ۵- اصلاحیه ماده ۸۱ که در آن کلمه متوالی حذف و بطور کلی ریاست جمهوری فقط به دو دوره محدود می شود. در نکته اضافه شده به همین بند دوره های روسای جمهوری پیشین روسیه تا قبل از این اصلاحات در نظر گرفته نمی شود بنابراین امکان شرکت مجدد آنها در انتخابات وجود دارد. این اصلاحیه امکان در قدرت ماندن پوتین تا سال ۲۰۳۶ را ایجاد کرد.

قوه مقننه

قانون اساسی ۱۹۹۳ در فدراسیون روسیه، سیستم دو مجلسی را برای این کشور به رسمیت شناخت که در آن مجمع فدرال از دو مجلس عوام یا دوما و مجلس سنا یا شورای فدراسیون تشکیل شده است (سنایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۹). تعداد نمایندگان مجلس عوام ۴۵۰ نفر است که برای یک دوره پنج ساله و از طریق نظام انتخاباتی موازی، انتخاب می شوند. نظام انتخاباتی موازی بدین معناست که ۵۰ درصد اعضای دوما توسط یک نظام اکثریتی انتخاب می شوند و ۵۰ درصد مابقی توسط نظام تناسبی مبتنی بر لیست های حزبی انتخاب می شوند. در نظام تناسبی، هر حزب برای به دست آوردن یک کرسی باید ۵ درصد آرا را به دست آورد. مجلس سنا دارای ۱۷۰ کرسی است و دوره خدمت اعضا چهار سال است. اعضای مجلس سنا توسط مقامات اجرایی و قانونگذاری ۸۹ بخش روسیه تعیین می شوند؛ بدین صورت که از هر منطقه دو نماینده یکی توسط مقامات اجرایی و دیگری توسط مقامات قانونگذاری جهت تصدی کرسی مجلس سنا انتخاب می شوند (قهساره، ۱۳۸۹، ص. ۱۶).

حدود اختیارات مجلس دوما در ماده ۱۰۳ قانون اساسی فدراسیون روسیه مشخص شده است. برخی از این اختیارات عبارتند از:

- ۱- تایید نامزدی نخست وزیر فدراسیون روسیه به پیشنهاد رئیس جمهور فدراسیون روسیه
- ۲- تصمیم رأی اعتماد به دولت فدراسیون روسیه
- ۳- نصب و عزل رئیس بانک مرکزی فدراسیون روسیه
- ۴- نصب و عزل رئیس دیوان محاسبات و نیمی از اعضای آن
- ۵- طرح اتهام علیه رئیس جمهور فدراسیون روسیه با هدف عزل او از سمت یا علیه رئیس جمهور فدراسیون روسیه که عمل به اختیارات خود را متوقف کرده است به منظور سلب مصونیت از وی

^۱ سه فصل اول، دوم و نهم طبق ماده ۱۳۵ نمی توانند مورد بازنگری قرار گیرند مگر اینکه پیشنهاد بازنگری از سوی سه پنجم کل شورای فدراسیون و دومی دولتی طرح شود که باید مجمع قانون اساسی با دو سوم آرا در مورد عدم تغییرپذیری و یا تهیه پیش نویس قانون اساسی جدید تصمیم بگیرد.



شورای فدراسیون بر مسائلی که در حوزه صلاحیت آن‌ها قرار دارد اعمال نظارت کرده و جلسات استماع گزارش پارلمانی برگزار می‌کند. این شورا و اعضای آن می‌توانند قوانین جدید را پیشنهاد داده یا اصلاحاتی را برای قوانین جدید مطرح کنند. شورای فدراسیون باید به لوایحی که به تصویب دوما رسیده و با شماری از مسائل و سیاست‌های خاص از جمله بودجه فدرال، مالیات‌ها و هزینه‌های دولت فدرال و دیگر مسائل مالی و اعتباری همچون چاپ پول و صدور تعهدات مالی ارتباط دارد، رسیدگی کند. این شورا همچنین ملزم به بررسی قوانینی است که با وظایف روسیه به‌عنوان یک دولت مرتبط است. این وظایف شامل تصویب معاهدات بین‌المللی و خروج از آن‌ها، مسائل مربوط به مرزهای کشور و حراست از آن‌ها و مسائل جنگ و صلح است (شیرائف، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۲-۱۷۳).

حدود اختیارات شورای فدراسیون در ماده ۱۰۲ قانون اساسی فدراسیون روسیه مشخص شده است. برخی از این اختیارات عبارتند از:

- ۱- تصویب تغییرات در مرزهای بین واحدهای فدرال فدراسیون روسیه
- ۲- تصویب فرمان رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه در مورد اعلام حکومت نظامی
- ۳- تصویب فرمان رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه در مورد اعلام وضعیت اضطراری
- ۴- تصمیم‌گیری در مورد امکان استفاده از نیروهای مسلح فدراسیون روسیه در خارج از قلمرو فدراسیون روسیه
- ۵- اعلام انتخابات ریاست‌جمهوری فدراسیون روسیه
- ۶- استیضاح رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه
- ۷- انتصاب قضات دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه و دیوان عالی فدراسیون روسیه و دادگاه عالی داور فدراسیون روسیه
- ۸- نصب و عزل رئیس و نیمی از اعضای دیوان محاسبات.
- ۹-

قوه قضائیه

در قانون اساسی فدراسیون روسیه مقام رئیس قوه قضائیه پیش‌بینی نشده و بندهای یک و دو اصل ۱۱۸ این قانون مقرر می‌دارد که عدالت صرفاً از طریق دادگاه‌ها و برطبق آئین دادرسی مدنی، اداری و کیفری اعمال می‌شود. با این حال با توجه به مقام عالی رئیس دیوان عالی فدرال روسیه، می‌توان گفت که این مقام به‌مانند دیگر کشورهایی که در آن‌ها رئیس دیوان عالی کشور ریاست قوه قضائیه را برعهده دارد، رئیس قوه قضائیه به‌شمار می‌آید. ادغام یا انحلال دادگاه‌های مصرح در قانون اساسی به موجب خود قانون اساسی و ایجاد، ادغام یا انحلال دادگاه‌های فدرال دیگر به موجب قانون فدرال صورت می‌گیرد. ایجاد، ادغام یا انحلال دادگاه‌های صلح و دادگاه‌های قانون اساسی واحدهای سرزمینی تابعه فدراسیون روسیه به موجب قوانین خود آنها خواهد بود (آقایی طوق و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۰-۲۷۱).

قوه قضائیه قوه‌ای مستقل است که صرفاً توسط دادگاه‌ها، هیات منصفه و داوران به موجب قانون و مبتنی بر آیین دادرسی اساسی، کیفری، مدنی و اداری اعمال می‌شود (آقایی طوق و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۱).

نظام دادگاهی روسیه را بر حسب صلاحیت می‌توان به سه دسته تقسیم کرد (آقایی طوق و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۱):

- ۱- دادگاه‌های عمومی دارای صلاحیت عام:

این دادگاه‌ها از صلاحیت رسیدگی به دعاوی مدنی، کیفری و اداری برخوردار هستند و به دعاوی اداری افراد علیه نهادهای عمومی رسیدگی می‌کنند. در دادگاه‌های عمومی، دادگاه صلح در نخستین و پایین‌ترین سطح و دیوان عالی فدرال در واپسین و بالاترین سطح سلسله مراتب قضایی قرار دارند. دادگاه‌های نظامی نیز در این دسته جای می‌گیرند.

- ۲- دیوان قانون اساسی فدرال و دیوان‌های قانون اساسی واحدهای سرزمینی تابعه فدراسیون:

این دادگاه‌ها به بررسی تطابق قوانین با قانون اساسی فدرال یا جمهوری می‌پردازند. دادگاه‌های قانون اساسی جمهوری‌ها و مناطق به لحاظ حقوقی تابع دیوان قانون اساسی فدرال نیستند.



۳- دادگاه های داوری:

این دادگاه به دعاوی تجاری و اختلافات اقتصادی میان اشخاص حقوقی اعم از موسسات دولتی و خصوصی رسیدگی می کنند و دیوان عالی داوری فدرال در بالاترین سطح این دادگاه ها قرار دارد.

در یک تقسیم بندی کلی دادگاه های فدراسیون روسیه را می توان به دو دسته دادگاه های فدرال و دادگاه های واحدهای سرزمینی فدراسیون کرد.

طبق ماده ۱۲۵ قانون اساسی فدراسیون روسیه، دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه، نهاد عالی قضایی برای نظارت بر قانون اساسی در فدراسیون روسیه است که قدرت قضایی را از طریق دادرسی قانون اساسی با هدف حفاظت از مبانی نظام قانون اساسی، حقوق و آزادی های اصلی انسان و شهروند و تأمین در رأس بودن و عمل کردن مستقیم قانون اساسی فدراسیون روسیه در سراسر قلمرو فدراسیون روسیه به اجرا می گذارد. دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه از ۱۱ قاضی از جمله رئیس دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه و معاون او تشکیل شده است. این دادگاه مطابقت داشتن موارد ذیل با قانون اساسی فدراسیون روسیه را بررسی می کند:

۱- قوانین فدرال قانون اساسی، قوانین فدرال، دستورالعمل های رئیس جمهور فدراسیون روسیه، شورای فدراسیون، مجلس

دوما و دولت فدراسیون روسیه

۲- قوانین اساسی جمهوری ها، اساسنامه ها و همچنین قوانین و سایر دستورالعمل های واحدهای فدراسیون روسیه که در خصوص مسائل مرتبط با اداره نهادهای حاکمیتی فدراسیون روسیه و اداره مشترک نهادهای حاکمیتی فدراسیون روسیه و نهادهای حاکمیتی واحدهای فدراسیون روسیه صادر می شود

۳- قراردادهای بین نهادهای حاکمیتی فدراسیون روسیه و نهادهای حاکمیتی واحدهای فدراسیون روسیه، قراردادهای بین نهادهای حاکمیتی فدراسیون روسیه

۴- قراردادهای بین المللی فدراسیون روسیه که به اجرا در نیامده اند

دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه در مورد اختلافات دستگاه های دولتی فدرال و نیز دستگاه های دولتی فدراسیون روسیه و دستگاه های دولتی اعضای آن، اقدام خواهد کرد. همچنین این دادگاه به درخواست رئیس جمهور فدراسیون روسیه، شورای فدراسیون، دوما، کشور، دولت فدراسیون روسیه و مقامات قانونی نهادهای تشکیل دهنده فدراسیون روسیه به تفسیر قانون اساسی می پردازد. رسیدگی به شکایات مربوط به نقض حقوق و آزادی های قانون اساسی شهروندان طبق روال مقرر در قانون فدرال قانون اساسی نیز جزو وظایف دادگاه قانون اساسی فدراسیون روسیه است. این دادگاه به درخواست شورای در مورد رعایت رویه تعیین شده برای طرح اتهام خیانت یا سایر جنایات سنگین علیه رئیس جمهور فدراسیون روسیه یا رئیس جمهور فدراسیون روسیه که عمل به اختیارات خود را متوقف کرده است، گزارش می دهد.

بر اساس ماده ۱۲۶ قانون اساسی فدراسیون روسیه، دادگاه عالی فدراسیون روسیه عالی ترین نهاد قضایی در پرونده های مدنی، حل اختلافات اقتصادی، پرونده های کیفری، حقوقی و سایر پرونده هایی است که در صلاحیت قضایی دادگاه های عمومی و حکمیت می باشند، مطابق با قانون فدرال قانون اساسی تشکیل شده است و از طریق دادرسی مدنی، حکمیت، حقوقی و کیفری قدرت قضایی خود را اعمال می کند. دیوان عالی فدراسیون روسیه در اشکال دادرسی پیش بینی شده در قانون فدرال بر فعالیت دادگاه های عمومی و حکمیت نظارت می کند و در خصوص مسائل مرتبط با عرف قضایی توضیحات ارائه می کند.

ماده ۱۲۷ قانون اساسی فدراسیون روسیه در خصوص کارکردهای دادگاه عالی داوری فدرال است. این دادگاه نهاد عالی قضایی برای حل و فصل دعاوی اقتصادی و اختلافات دیگری است که به آن ارجاع می شود و در انطباق با رویه های مقرر شده در قانون فدرال بر فعالیت های دادگاه ها نظارت می کند و در مورد مسائل آنها به ارائه توضیحات می پردازد. رجوع به این دادگاه ها توافقی

^۱ دیوان قانون اساسی فدراسیون روسیه هم اطلاق می گردد.

^۲ دیوان عالی فدراسیون روسیه هم اطلاق می گردد.



بوده و بدیهی است چنانچه یکی از طرفین دعوی مایل نباشد، پرونده به دادگاه های عمومی ارسال خواهد شد (آقای طوق و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۴).

این دادگاه ها شامل دیوان های قانون اساسی یا منشور، دیوان های عالی جمهوری های فدراسیون روسیه، دادگاه های ناحیه ای و منطقه ای، دادگاه های شهرهای فدرال و دادگاه های مناطق خودمختار به عنوان مرجع نخستین و تجدیدنظر دعوی است و ساختار و آیین دادرسی آنها به موجب قوانین فدرال دارای ارزش اساسی تعیین می شود. دیوان های قانون اساسی یا منشور واحدهای سرزمینی تابعه به منظور تطبیق قوانین و مقررات این واحدها با قانون اساسی یا منشور هر واحد سرزمینی و تفسیر قانون اساسی تشکیل می شوند. تامین بودجه این دیوان ها برعهده خود واحدهای سرزمینی است (آقای طوق و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۵).

دادگاه های تخصصی فدرال به موجب قوانین فدرال جهت رسیدگی به دعاوی تخصصی مدنی و اداری تشکیل می شوند. دادگاه های نظامی در دوسطح بدوی و تجدیدنظر تاسیس شده و به تخلفات نظامیان رسیدگی می کنند. دادگاه های نظامی بدوی در پادگان ها و مناطق نظامی تشکیل می شود (آقای طوق و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۵).

دادگاه های بخش در سراسر روسیه تاسیس می شوند و در جایگاه نخستین مرجع رسیدگی به دعاوی عمل می کنند. بسیاری از دعاوی مدنی، کیفری و اداری در این دادگاه ها رسیدگی می شود (آقای طوق و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۶).

دادگاه های جمهوری ها عبارتند از دادگاه های قانون اساسی جمهوری ها و دادگاه های صلح. قضات این دادگاه ها توسط مجلس قانونگذاری این جمهوری ها انتخاب می شوند. وظیفه دادگاه های قانون اساسی واحدهای سرزمینی اطمینان از تطابق قوانین مصوب این واحدها با قانون اساسی یا منشور آنهاست (آقای طوق و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۶).

علاوه بر دادگاه ها، هیات های داوری نیز وجود دارند که به داوری درخصوص پرونده های مدنی رسیدگی می کنند اما مرجع عام نبوده و در مدیریت قضا در نظام قضایی روسیه نقشی ندارند. این هیات ها توسط موسسات خصوصی، اتاق های بازرگانی و بازار بورس ایجاد می شوند. ساختار و نحوه فعالیت این هیات ها به موجب قانون اساسی فدرال، قانون فدرال هیات داوری و دیگر قوانین فدرال مشخص می شود (آقای طوق و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۶).

وزارت دادگستری متصدی تهیه لوایح قانونی و مدیریت دادگاه ها و دادستان ها است. سیاست حقوقی و قضایی دولت توسط وزارت دادگستری تهیه می شود و این وزارتخانه، کانال ارتباطی دولت با دوما و شورای فدرال در زمینه قانونگذاری است و کلیه لوایح تهیه شده در دولت پیش از تقدیم به مجلس باید توسط این وزارتخانه بررسی شود. انتصاب، انتقال و عزل قضات غیر فدرال، کارکنان قضایی و اداری مراکز قضایی و نظارت بر کار آنها و مدیریت زندان ها برعهده وزیر دادگستری است. بنابراین نقش وزارت دادگستری در قوه قضائیه فدراسیون روسیه اساسا اداری و پشتیبانی است و دخالتی در امور قضایی ندارد (آقای طوق و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲۹۴).

وزارت دادگستری به عنوان مجری قانون وظیفه کنترل و نظارت در زمینه های ذیل را دارد (آقای طوق و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲۹۴):

- ۱- نحوه اجرای مجازات های کیفری
- ۲- فعالیت انجمن ها و سازمان های غیردولتی
- ۳- دفاتر سازمان های بین المللی در فدراسیون روسیه
- ۴- احزاب سیاسی و سازمان های دینی
- ۵- ثبت اسناد و تهیه نقشه های ثبتی
- ۶- ثبت احوال
- ۷- تضمین اجرای احکام دادگاه ها
- ۸- مقابله با فساد و همکاری دادستان کل روسیه



در فدراسیون روسیه بر استقلال دادستانها تأکید ویژه ای شده است و این نکته ای است که در قانون اساسی و قانون اداره دادستان فدراسیون روسیه مشهود است. نهاد دادستانی تقریباً به طور کامل از قوای سه گانه مستقل بوده و این استقلال بر اقتدار و سلامت این نهاد می افزاید. دادستانی موظف است تا صرفاً از طرف ملت روسیه و نه منافع شخصی و جناحی یا از سوی دولت اقدام به پیگرد قضایی کند، بنابراین این نهاد صرفاً نماینده مردم است. در صورتی که دادستانها احکام و تصمیمات دادگاهها را خلاف قانون بیابند، می توانند موارد خلاف قانون را به اطلاع مقام صادرکننده برسانند و از اجرای آن خودداری کنند (آقایی طوق و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲۹۰).

وظایف دادستانی عبارتست از (آقایی طوق و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۲۹۰):

- ۱- نظارت بر اجرای قوانین توسط نهادهای عمومی دولتی، غیردولتی و مجلس و نهادهای واحدهای سرزمینی تابعه روسیه، بازرسی و پیگرد قضایی موارد تخطی از قانون و نظارت بر انطباق مصوبات این نهادها با قانون
- ۲- نظارت بر رعایت حقوق و آزادی های عمومی توسط نهادهای عمومی
- ۳- نظارت بر فعالیت نهادهایی که به امور عملیاتی، بازرسی و تحقیقات اولیه می پردازند
- ۴- نظارت بر فعالیت پلیس و ضابطان دادگستری
- ۵- نظارت بر اجرای احکام قضایی در نهادهای مختلف دولتی و قضایی
- ۶- پیگرد قضایی متخلفان و متهمان از مجاری قانونی
- ۷- همکاری با نهادهای پیشگیری و کنترل جرم

نظام حزبی

از زمان ظهور اولین حزب مستقل در سال ۱۹۸۸، احزاب سیاسی ستون فقرات زندگی سیاسی پس از شوروی را تشکیل دادند. از سال ۱۹۹۱، انتخابات به عنوان مشوقی برای تشکیل حزب عمل کرده است. بسیاری از احزاب به دلیل عدم موفقیت یا انشعاب، بلافاصله پس از انتخابات مربوطه تغییر می کنند یا ناپدید می شوند. احزاب به ایدئولوژی های خاصی پایبند هستند و سعی می کنند شهروندانی را که در یک اردوگاه قرار می گیرند را جلب کنند (Hass, 2006, p. 37 11).

مهمترین احزاب سیاسی فدراسیون روسیه عبارتند از:

- ۱- حزب روسیه متحد
- ۲- حزب کمونیست
- ۳- حزب لیبرال دموکرات
- ۴- حزب روسیه عادل

حزب روسیه متحد در سال ۲۰۰۱ از بهم پیوستن چندین حزب سیاسی ایجاد شد. در سال ۲۰۰۲ گریزوف به عنوان رئیس این حزب انتخاب شد و در سال ۲۰۰۳ نام روسیه متحد را برای حزب برگزید. این حزب تا مارس ۲۰۰۶ یک میلیون عضو داشت و همچنان نیز بزرگترین حزب روسیه به شمار می رود. روسیه متحد را در تحلیلها اغلب به نام حزب قدرت خطاب می کنند زیرا هدف از ایجاد آن این بود که پارلمان به صورت بدون قید و شرط از رئیس جمهور و یا نخست وزیر حمایت کند. این حزب در بیشتر بیانیه ها و اسناد رسمی خود از ولادیمیر پوتین تحت عنوان رهبر کشور یاد می کند. حمایت حزب از رئیس جمهور به حدی است که حتی طرح فعالیت های سیاسی و اقتصادی حزب رسماً به عنوان طرح پوتین نام گذاری شده است. از نظر سیاسی، روسیه متحد طرفدار میانه روی سیاسی و دوری از چپ و راست برای متحد کردن جامعه است. در حوزه اقتصادی، این حزب از یک اقتصاد ترکیبی، یعنی هم شامل بخش های دولتی و هم شامل بخش های خصوصی، حمایت می کند. مدرن سازی، اصلاحات اقتصادی و بهبود فضای سرمایه گذاری از اهداف دیگر این حزب است (تدین، ۱۳۹۸).

حزب کمونیست در فوریه ۱۹۹۳ شکل گرفت و در ماه مارس از سوی وزارت دادگستری ثبت شد. بیشتر اعضای این حزب از قبل متعلق به حزب کمونیست شوروی بودند. در سال ۱۹۹۲ حزب کمونیست چندین گروه موافق کمونیسم را با هم گرد آورد



و گنادی زیوگائف رئیس اجرایی این حزب شد که همچنان هم رهبری حزب را برعهده دارد. در آن زمان حزب حدود ۵۵۰ هزار عضو داشت در حالی که در دهه ۱۹۸۰ حزب کمونیست اتحاد شوروی تقریباً ۸ میلیون و در سال ۲۰۰۶ حدود ۱۸۰ هزار عضو داشت. سهم این حزب از آرا در طول بیست سال گذشته روبه کاهش بوده است. تحولات گسترده‌ای در حزب شکل گرفته است. طبق قوانین قدیمی همه اعضا مجبور بودند که ضدخدا باشند در حالی که در سال‌های اخیر حدود ۳۰ درصد از اعضای حزب کمونیست اظهار می‌کنند که به خدا اعتقاد دارند. اولویت‌های این حزب در حوزه سیاست خارجی شامل تقویت نقش سازمان ملل، محدود کردن نفوذ ناتو و در صورت امکان تلاش برای فروپاشی آن و نزدیک کردن کشورهای شوروی سابق به یکدیگر و حمایت از اصلاحات نظامی است (تدین، ۱۳۹۸).

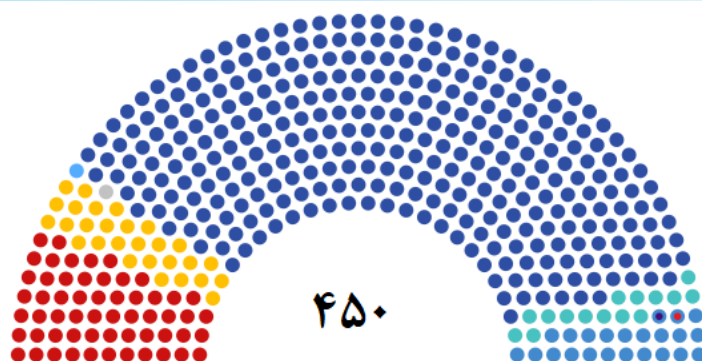
حزب لیبرال دموکرات قدیمی‌ترین حزب روسیه است که در سال ۱۹۸۹ به‌عنوان یک گروه سوسیال دموکرات شکل گرفت و در سال ۱۹۹۱ رسماً به‌عنوان یک حزب سیاسی ثبت شد. این حزب از قدرت غالب مجموعه دولت شامل هر سه قوه حمایت می‌کند و با تأکید بر موضع ملی‌گرای معتقد است روسیه باید مهاجرت را محدود کند و از تمام روس‌های خارج از کشور نیز حمایت کند. در حوزه اقتصادی این حزب مانند روسیه متحد از یک اقتصاد ترکیبی حمایت می‌کند. با این حال این حزب معتقد است دولت باید حوزه‌های دفاع، حمل‌ونقل، نفت و گاز، ارتباطات، صنایع فلزی و استخراج منابع معدنی و نیز شکر، تنباکو و الکل را کنترل کند و قیمت انرژی را پایین نگه دارد. این حزب مخالف استفاده از نیروی نظامی در خارج از مرزهای روسیه است. در حوزه سیاست خارجی، این حزب در زمره نوآراسیا گرایان قرار داشته و تصور می‌کند روسیه باید توجهش را از غرب به چین، هند، ایران و ونزوئلا معطوف کند و از ایجاد اتحادیه گمرکی در منطقه اوراسیا حمایت می‌کند. برنامه‌های این حزب عموماً شامل مجموعه‌ای از وعده‌های مردم‌پسند است. این حزب در دوما معمولاً از دولت حمایت می‌کند و ویژگی‌های حزب اپوزسیون را ندارد (تدین، ۱۳۹۸).

حزب روسیه عادل در سال ۲۰۰۶ از ادغام سه حزب با گرایش چپ تاسیس شد و بعداً احزاب کوچک‌تر با گرایش‌های مشابه نیز به آن پیوستند. اساس برنامه‌های روسیه عادل بر روی سوسیالیسم معاصر، دموکراتیک و واقعی است. این حزب قصد دارد ایده‌های سوسیالیستی را با ارزش‌های دموکراتیک جهانی ترکیب کند. این حزب بر روی سیاست‌های اجتماعی قوه‌ای تأکید دارد که ثبات اجتماعی را تضمین می‌کند. بعد از انتخابات سال ۲۰۰۷ این حزب چهارمین حزب از نظر تعداد نمایندگان در دومای کشوری بود و رهبر آن سرگئی میرونوف رئیس شورای فدراسیون بود. حزب روسیه عادل موافق سیاست‌های دولت است و صرفاً در مسائل تاکتیکی و نه در استراتژی‌ها انتقاد می‌کند (تدین، ۱۳۹۸).

علاوه بر چهار حزب اصلی که در بالا اشاره شد، تعداد کمی از احزاب کوچک‌تر در روسیه فعالیت می‌کنند. یکی از قدیمی‌ترین آنها حزب جابلوکو است که بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ جناح کوچک مربوط به خود را در دوما داشت. این حزب همیشه مخالف دولت بوده است و از جمله احزاب چپ میانه دسته‌بندی می‌شود. این حزب بسیار مخالف رویکرد خشن دولت نسبت به جدایی طلبی قومی در استان جنوبی چین بود. هدف داخلی این حزب ساختن جامعه‌ای براساس ارزش‌های اصلی دموکراتیک و لیبرال می‌باشد. از سال ۲۰۰۸ پس از این که رهبری حزب از گریگوری یاولینسکی تغییر یافت، به‌نحو چشمگیری تضعیف شده است.

حزب دیگری که از برنامه‌های لیبرال دموکرات حمایت می‌کند، اتحاد نیروی راست است. این حزب همچنین منافع اپوزیسیون سیاسی را نمایندگی و آزادی‌های شخصی، اقتصادی و سیاسی را از نوع دموکراسی غربی آن تأیید می‌کند. این حزب در سال ۲۰۰۸ به‌علت اختلافات داخلی منحل شد.

گروه دیگر احزاب اپوزیسیون می‌تواند به روسیه دیگر اشاره کرد که فعالیت خود را در سال ۲۰۰۶ آغاز کرد. هدف اصلی این جنبش، تغییر رژیم سیاسی موجود در روسیه از طریق ابزارهای مسالمت‌آمیز و قانونی است. ائتلاف روسیه دیگر شامل سازمان‌ها و جنبش‌هایی می‌شود که اهداف و ایدئولوژی‌های کاملاً متفاوتی دارند. شکل ۱۱ ترکیب احزاب را در دومای ۲۰۲۱ نمایش می‌دهد (Savva, 2021).



شکل ۹- ترکیب احزاب در دوما ۲۰۲۱ (Savva, 2021)



- ۱- حزب کمونیست: ۵۷ کرسی
- ۲- حزب روسیه عادل: ۲۸ کرسی
- ۳- مستقل: ۱ کرسی
- ۴- حزب رشد: ۱ کرسی
- ۵- حزب روسیه متحد: ۳۲۵ کرسی
- ۶- افراد جدید: ۱۵ کرسی
- ۷- سکوی مدنی: ۱ کرسی
- ۸- حزب رودینا: ۱ کرسی
- ۹- حزب لیبرال دموکرات روسیه: ۲۱ کرسی

حکومت های محلی و منطقه ای

ساختار واحدهای خودگردان محلی توسط مدیریت اجزای تابعه فدراسیون روسیه براساس اصول تعریف شده در قانون فدرال تعیین می شود. واحدهای خودگردان محلی در بخش ها، شهرها و شهرک ها، گروه هایی از روستاها و روستاها فعالیت می کنند (حجی پناه و تقی پورجاوی، ۱۳۹۵، ص. ۷). هر یک از جمهوری ها، قانون اساسی و رئیس جمهوری خاص خود را دارند. همچنین تقسیماتی همچون سرزمین، استان، شهرهای ایالت فدرال، نواحی خودمختار و روسای اداری و حکومت محلی با اساسنامه خاص در هر یک از این جمهوری ها وجود دارد. علاوه بر این هر جزء زیرمجموعه فدراسیون روسیه دارای هیات اجرایی و قانونگذاری خاص است. حکومت فدرال یا حکومت های تابعه فدراسیون روسیه نمی توانند حقوقی که برای حکومت های محلی در قانون اساسی یا قوه مقننه تعریف شده است را محدود نمایند (حجی پناه و تقی پورجاوی، ۱۳۹۵، ص. ۸). وظایف حکومت های محلی در فدراسیون روسیه عبارتست از (حجی پناه و تقی پورجاوی، ۱۳۹۵، ص. ۸):

- ۱- توسعه محلی
- ۲- حفظ محیط زیست
- ۳- حفظ نظم عمومی
- ۴- حمایت از فعالیت های ورزشی
- ۵- حفاظت از سنت های فرهنگی و تاریخی
- ۶- آموزش پیش دبستانی و مدرسه ای
- ۷- مراقبت بهداشتی
- ۸- خدمات مشتریان
- ۹- حمل و نقل عمومی
- ۱۰- خانه سازی و کاربری های عمومی

نتیجه گیری

سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه نتیجه ای اصلاحات پس از کمونیسم، هفت دهه نقش کمونیسم و قریب به یک هزار سال حکومت امپراطوری است. کشور روسیه از نظر شکل، فدرال و از نظر نوع نظام سیاسی، نیمه ریاستی شامل رئیس جمهور از یک سو و نخست وزیر و کابینه از سوی دیگر می باشد. رئیس جمهور با رأی مستقیم و مخفی مردم در یک نظام انتخاباتی اکثریتی مطلق انتخاب می شود. پارلمان فدراسیون روسیه دومجلسی است که به آن مجمع فدرال می گویند و شامل نمایندگان مجلس



دوما و اعضای شورای فدراسیون می شود. نمایندگان مجلس دوما در یک نظام انتخاباتی ترکیبی انتخاب می شوند. اعضای شورای فدراسیون نیز توسط مقامات اجرایی و قانون گذاری هر یک از واحدهای فدرال تعیین می شوند. طول دوره ریاست جمهوری شش سال و مدت نمایندگی اعضای مجلس دوما و شورای فدراسیون به ترتیب چهار و پنج سال می باشد. قوه قضائیه نیز شامل بخش های مختلف در سطوح مختلف فدرال است.

در مجموع می توان گفت که سیر تحولات سیاسی پس از فروپاشی شوروی و همچنین اصلاحات قانون اساسی در سه دهه اخیر در فدراسیون روسیه به گونه ای بوده است که شخص رئیس جمهور که در حال حاضر ولادیمیر پوتین می باشد، قدرت بسیاری نسبت به همتایان خود در سایر کشورهای جمهوری چه با نظام ریاستی و چه نظام نیمه ریاستی یافته است. هر چند واحدهای فدرال و جمهوری های خودمختار دارای یک سری اختیارات می باشند اما ساختار به گونه ای شکل گرفته که عملاً رئیس جمهور در بسیاری از امورات توانایی اعمال قدرت دارد.

قدردانی

بدینوسیله نویسنده مراتب قدردانی خود را از استاد محترم، دکتر علی صباغیان، عضو هیئت علمی گروه مطالعات منطقه ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، که در انجام این تحقیق نویسنده را یاری کردند، اعلام می دارد



فهرست منابع

- Ezhiki. (2007, 12 20). *File:Russia - Jewish Autonomous Oblast (2008-01).svg*. Retrieved from Wikimedia: [https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Russia_-_Jewish_Autonomous_Oblast_\(2008-01\).svg](https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Russia_-_Jewish_Autonomous_Oblast_(2008-01).svg)
- glove. (2017, 7 22). *File:Map of federal subjects of Russia (2014) with numbered oblasts.png*. Retrieved from Wikimedia: [https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Map_of_federal_subjects_of_Russia_\(2014\)_with_numbered_oblasts.png](https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Map_of_federal_subjects_of_Russia_(2014)_with_numbered_oblasts.png)
- Hardscarf. (2008, 3 1). *File:Autonomous districts of Russia.png*. Retrieved from Wikimedia: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Autonomous_districts_of_Russia.png
- Hass, J. K. (2006). Russian Federation. In J. W. Neil Schlager, *In World Encyclopedia of Political Systems and Parties*. New York: Facts on File.
- Hellerick. (2008, 7 19). *File:Krais of Russia.png*. Retrieved from Wikimedia: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Krais_of_Russia.png
- Kingofthedeath. (2016, 4 24). *File:Map of federal cities of Russia (2014).svg*. Retrieved from Wikimedia: [https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Map_of_federal_cities_of_Russia_\(2014\).svg](https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Map_of_federal_cities_of_Russia_(2014).svg)
- Lencer. (2008, 12 3). *File:Russland Relief.png*. Retrieved from Wikimedia: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Russland_Relief.png
- Pmmollet. (2006, 2 7). *File:Republics of Russia Catalan.png*. Retrieved from Wikimedia: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Republics_of_Russia_Catalan.png
- Savva, M. (2021, 11 11). *File:Russian 8th State Duma 2021.svg*. Retrieved from Wikimedia: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Russian_8th_State_Duma_2021.svg
- Sawe, B. E. (2019, 07 18). *Largest Ethnic Groups In Russia*. Retrieved from WorldAtlas: <https://www.worldatlas.com/articles/largest-ethnic-groups-in-russia.html>
- آقای طوق، م.، مطهرپور، م.، رفیعی، م.، مرکز مالگیری، ا.، موسوی زاده، س.، ویژه، م.، و دیگران. (۱۳۹۵). تحقیقات قضایی ۲. تهران: قوه قضائیه.
- تدین، س. م. (۱۳۹۸، ۰۱، ۲۲). معرفی احزاب اصلی روسیه. بازیابی از <http://didban.ir/fa/news-details/>: <http://didban.ir/fa/news-details/> ۴۵۴۵۵۵۵۵/معرفی-احزاب-اصلی-روسیه/
- حجی پناه، ن. و تقی پور جاوی، آ. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی جایگاه دولت محلی در قانون اساسی کشورهای ج.ا.ایران، روسیه و اسپانیا. *اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی*. (ص. ۱۴). خرم آباد.
- سنایی، م. (۱۳۸۸). روسیه شناسی در دوران شوروی و پس از آن: تحولات و درس ها. *مطالعات اوراسیای مرکزی*. ص. ۸۵-۱۰۶.
- سنایی، م. (۱۳۹۵). روسیه؛ جامعه، سیاست و حکومت. تهران: سمت.
- سنایی، م. و کرامتی نیا، ر. (۱۴۰۰، ۰۱، ۲۱). اصلاحات قانون اساسی روسیه سال ۲۰۲۰؛ تداوم و افزایش اقتدارگرایی. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. ص. ۲۱-۵۹.
- شیرائف، ا. (۱۳۹۲). نگاهی نو به سیاست و حکومت در روسیه. تهران: میزان.
- قهساره، ا. ر. (۱۳۸۹). فرآیند انتخابات و رأی گیری در کشورهای مختلف (۳) (آفریقایی جنوبی، مجارستان، روسیه و برزیل). تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- کولایی، ا. (۱۳۹۸). سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه. تهران: وزارت امور خارجه.
- نژادخلیلی، م. (۱۳۹۰). مقایسه وظایف و اختیارات وزارت کشور در جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها (آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، روسیه و ایتالیا). تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.